

حمله کیهان به یک سریال نمایش خانگی

رشید به ابریشم تعهد داده است که فروغ را همچون دختر خود تربیت کند. نتیجه این وضعیت نمایشی چه خواهد بود؟ بهمن و فروغ در یک خانه زندگی می‌کنند و با هم بزرگ می‌شوند و عمو و عموزاده عاشق یکدیگر می‌شوند.

به گزارش سایت خبری پرسون، روزنامه کیهان نوشت: سریال «بی‌گناه» به نوعی تابوشکنی شرعی و عرفی مبتلاست و این مجموعه یکی از وضعیت‌های نمایشی ممنوعه در شبکه نمایش خانگی را عرضه می‌کند که ارائه چنین محتوایی در ساز و کار سریال‌سازی ایرانی دست کم نمونه و مابه‌ازایی را نمی‌توان برای آن یافت.

اگر روایت را به صورت خطی دنبال کنیم و فلاش بک‌های سریال در کنار هم قرار دهیم، روایت این سریال با رشید فرشلاف آغاز می‌شود؛ رشید در روستای کوچکشان دلبسته دختری به نام ابریشم است. اما دختر فرزند استاد رشید در حوزه فرشلافی، دلباخته بهرام دوست اوست.

این دو با یکدیگر ازدواج می‌کنند و رشید با دلشکستگی به تهران مهاجرت می‌کند و در آنجا با ناهید ریاحی بازیگر تئاتر آشنا می‌شود.

ناهید از رشید باردار می‌شود و در این هنگام رشید متوجه خبر فوت استادش، پدر ابریشم، می‌شود. او برای مراسم تدفین به روستایشان بازمی‌گردد. در روستا متوجه می‌شود بهرام نقشه گنجی را پیدا کرده است. رشید می‌تواند محل اختفای گنج را از روی نقشه پیدا کند و پس از خواندن آن، این دو رهسپار محل گنج می‌شوند. حین جست‌وجو پس از یافتن محل اختفا، رشید اقدام به کشتن بهرام می‌کند و با برداشتن گنج‌ها رهسپار تهران می‌شود.

پس از مدتی او به روستایشان بازمی‌گردد و اقدام به عقد ابریشم می‌کند و برادر کوچک بهرام، بهمن مردانی را با خود به تهران می‌برد.

ابریشم هفت ماه پس از مرگ شوهر و ازدواج با رشید دختری به نام فروغ را به دنیا می‌آورد. این دختر نام خانوادگی فرشلاف را یدک می‌کشد و ظاهراً فرزند رشید است، اما واقعیتی که از بهمن پنهان نگاه داشته می‌شود این است که او دختر برادر بهرام است.

در فلاش‌بک‌های نخست سریال، مخاطب درخواهد یافت که ابریشم بی‌اطلاع از قتل همسر خود توسط رشید است. پس از مدت کوتاهی رشید از تهران به روستا بازمی‌گردد در حالی که ابریشم همچنان داغدار مرگ شوهر است به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد.

در فلاش‌بک‌های سریال، در حالی که او عزادار شوهر مقتول است به عقد رشید درمی‌آید و در سکانس‌های مربوط به جست‌وجوی پلیسی برای یافتن قاتل، ابریشم خودش را همسر رشید معرفی می‌کند. طبیعی است که طبق داده‌های پلکانی ابریشم در این مدت باردار بوده است. حتی قوانین عرفی دهه چهل به هیچ مردی اجازه نخواهد داد که زن باردار را به عقد خود دربیاورد. از سوی دیگر آن‌طور که سریال نشان می‌دهد زن پس از مرگ شوهرش عده شرعی را برای به عقد رشید درآمدن نگه نمی‌دارد.

در سریال «بی‌گناه» برای افزایش جذابیت، نوعی رویکرد التقاط در نگاه به شرع و عرف موج می‌زند. در بخشی از این سریال زمانی که ابریشم تصمیم دارد حقیقت را با بهمن درمیان بگذارد بازهم اشاره می‌کند که زمانی که فروغ را باردار بوده با رشید ازدواج کرده است.

از سوی دیگر این حقیقت از فروغ و بهمن پنهان نگه داشته می‌شود که این دو عمو و عموزاده هستند به دلیل اینکه با عنوان خانوادگی فرشلاف فروغ شناسنامه‌دار شود.

رشید به ابریشم تعهد داده است که فروغ را همچون دختر خود تربیت کند. نتیجه این وضعیت نمایشی چه خواهد بود؟ بهمن و فروغ در یک خانه زندگی می‌کنند و با هم بزرگ می‌شوند و عمو و عموزاده عاشق یکدیگر می‌شوند.

نخستین بار در میان تولیدات ایرانی با عشاقی مواجه هستیم که با هم محرم و همخون هستند. با اینکه سری‌دوزی‌های «مصطفی کیایی» شبیه یکدیگر است اما عشق سوزان و دردمندانه این دو برای مخاطب حس ایجاد می‌کند و نسبت به یک عشق حرام کاتارسیس ایجاد می‌شود و نیروی عاطفی تماشاگر نسبت به این روابط ممنوعه تقویت می‌شود.

مولفان برای ایجاد هیجان بیشتر یک کاشت روایی بی‌شرمانه را چاشنی روایت کرده‌اند و رابطه خونی بهمن و فروغ از آنان پنهان نگاه داشته شده در حالی که این دو از جوانی عاشق یکدیگر می‌شوند.

رشید با تقویت یک زمینه چینی توطئه، بهمن را به خارج از کشور می‌فرستد و فروغ با منوچهر ازدواج می‌کند. فروغ با اینکه ازدواج کرده اما همچنان در فراق عشق به عمو خود بهمن، داستان‌های عاشقانه تالیف می‌کند، بدون آنکه پی به واقعیت برده باشد.

منوچهر همسر فروغ در شبی که به واقعیت پی می‌برد و نامه‌های عاشقانه بهمن و فروغ را پیدا می‌کند، در اثر یک سانحه تصادف از دنیا می‌رود.

فروغ بیش از بیست و اندی سال با مردی به نام منوچهر زندگی کرده و رویای رسیدن به بهمن که عموی او محسوب می‌شود را در سر داشته است.

این وضعیت نمایشی هنجار شکن با این دلایل خلق شده که رشید و ابریشم نمی‌خواستند فروغ متوجه شود که فرزند واقعی آنان نیست.

با تمام بهانه‌های دراماتیک، مولفان وضعیت نمایشی را خلق کرده‌اند که از پایه و اساس حرام است، حتی در صورت آگاهی این شخصیت‌ها و پرهیز از یک عشق ممنوعه، بیست و چند قسمت سریال با پرداختن به این وضعیت نمایشی حرام در مخاطب حس ایجاد می‌شود و اندوه عدم وصال بر مخاطب اثر وضعی نامطلوبی خواهد داشت.

چگونه در این سریال ممکن می‌شود؟

در یکی از خرده روایت‌های سریال «بی‌گناه» با شخصیتی به نام کثرتی آشنا می‌شویم که از نقاشان، مجسمه‌سازان و گرافیک‌های مشهور است. او در فضای مجازی متهم به هتک و تجاوز به برخی بانوان شده است. پلدا دختر فرشلاف هم یکی از افرادی است که از این فرد درخواست مصاحبه می‌کند و کثرتی او را به خانه‌اش دعوت می‌کند.

برای افرادی که اخبار فضای مجازی را دنبال می‌کنند مابه‌ازای واقعی این شخصیت کاملاً شناخته شده است. اما این سریال با زیرکی خاصی روایت واقعی و جزئیاتی که درباره این فرد در جهان واقعی مطرح شده را وارونه می‌کند و از کثرتی یک هنرمند قدیس می‌سازد. با راهبردهای روایی وضعیت‌های نمایشی را طوری تنظیم می‌کند که به تطهیر شخصیت متهم به تعدی و تجاوز منجر می‌شود. تا این سریال در یک خرده روایت نمایشی، فردی که رسانه‌های داخلی و خارجی عناوین اتهامی او را دنبال کردند را تطهیر کنند.

«بی‌گناه» علی‌رغم نامش سریال گناهکاری است که برای جلب مخاطب از لحاظ کردن انگاره‌های پلشت و حرام نمایشی چشم‌پوشی نکرده است. نمایش عشق‌های حرام و تطهیر متجاوزان مصادیقی نیست که پلت‌فرم فیلیمو بدون پاسخگویی به نهاد نظارتی ساترا بتواند آن‌را دستمایه تولید یک سریال قرار و این اثر به سادگی در جامعه منتشر شود.

این وضعیت نمایشی و به تصویر کشیدن عشق دو همخون به یکدیگر باید توسط نهادهای قضایی جرم‌انگاری شود و پلت‌فرم توزیع‌کننده باید درباره توزیع چنین اثر غیرمعارفی با نادیده گرفتن مراجع نظارتی به مراجع قضائی پاسخگو باشد. جرم‌انگاری چنین محتوای ساختارشکن ضرورت جدی دارد و نباید به سادگی از توزیع چنین آثار ساختارشکنی در جامعه چشم‌پوشی کرد.